

## بسؤالات شما پاسخ میدهم

- ۱ - قرآن وقانون جاذبه عمومی ۲ - منظور از طینت خوب بود ۳ - تفسیر دو آیه از قرآن مجید
- ۴ - سیادت از کجا سرچشمه میگردد؟ ۵ - پیغمبران واجتهاد در احکام ۶ - اینکه میگویند نماز اول وقت بانماز امام (ع) تطبیق کرده وقبول میشود با اینکه افق ماهاهم اختلاف دارد چگونه تصور میشود ؟

\* \* \*

### سؤال اول

آقای رضانصی دانشجوی دانشکده حقوق از تهران میپرسند : همانطوری که برای يك ساختمان پایه وستون لازم است آیا در مورد خلقت آسمانها خداوند پایه ای برقرار ساخته و آیا قوه جاذبه عمومی که امروز ثابت شده با این موضوع ارتباطی دارد یا خیر ؟ و از آیه شریفه **اللّٰه الذی رفع السموات بغير عمد ترونها . . .** چه استنباط میشود ؟ این آیه وجود ستون دانی میکند یا اثبات ؟

پاسخ : چنانکه در شماره ۷ سال اول این مجله در مقاله « کاخ بی ستون » مشروحاً بیان شده و از اخبار هم استفاده میشود احتمال قوی میرود که منظور از آن ستون همان قوه جاذبه عمومی باشد که کواکب را در مدار خود نگاه میدارد آیه شریفهم میگوید : **دبیر عمد ترونها** یعنی بدون ستونی که قابل رؤیت باشد، یعنی ستونی وجود دارد که شما نمی بینید و این همین مضمون حدیثی است که از امام هفتم (ع) نقل شده است .

### سؤال دوم

آقای حسن جمالی از قم سؤال میکند : « اینکه در روایات رسیده که سر نوشت وطینت عمداً از طین و عالم بالا و دوده دیگری از سجین و عالم پایین میباشد ، منظور از آن چیست ؟ آیا مسئله ثواب و عتاب با آن چگونه حل میشود ؟ »

پاسخ : شکی نیست که در اصل خلقت تفاوتی میان افراد بشر هست و وجود این تفاوتها برای نظام عالم حتمی و ضروری است ولی این تفاوتها پاندازه‌ای نیست که اراده و اختیار را که میزان تکالیف است ؛ از انسان سلب کند بلکه با وجود این تفاوت ، انسان کاملا آزاد است که راه خوب یا بد را انتخاب کند ، بدیهی است کسانی که بمقتضای خلقت جنبه‌های کمال ذاتی در وجود آنها کمتر است اگر در سایه کوشش و مجاهدات نفسانی کمالات کسبی را برای خود تحصیل کنند ، مقامات و جزاهای شایسته‌تری خواهند داشت و همین موضوع نوائس ذاتی آنها را جبران می‌کند بنا بر این هر يك از این دو دسترا مزیتی است که در دیگری نیست .

### سؤال سوم

آقای محمود پیش‌بین از تهران سؤال می‌کنند که در سوره بقره آیه ۶۲ خداوند چنین می‌فرماید : **ان الذین آمنوا والذین هادوا و النصارى والصابقین من آمن بالله والیوم الآخر وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون** یعنی هر مسلمان و یهودی و نصرانی و ستاره پرست که از روی حقیقت بخدا و روز قیامت ایمان بیاورد و نیکوکاری پیشه کند از خدا پاداش نیک باید و هیچگاه در دنیا و آخرت بیمناک و اندوهگین نخواهد گشت . مفاد این آیه با آیه ۸۴ از سوره آل عمران که می‌فرماید : **ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین** . یعنی هر کس جز اسلام دینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان‌کاران است ، سازش ندارد ، خواهشمند است تفسیر این دو آیه را مرقوم فرمائید .

پاسخ : آیه اول بامختصر تفاوتی در تمبیر ، در دو جای قرآن نازل شده است یکی در همان سوره بقره و دیگری در سوره مائده آیه ۶۹ و در واقع پاسخ بادعای یهودیان و نصرا نیان است که مدعی بودند : **«لن یدخل الجنة الا من کان هوداً او نصاری»** یعنی جز یهود و نصاری ، کسی داخل بهشت نخواهد شد و باین ترتیب هر يك از آنها امتیازی برای خود قائل میشدند که در هیچ امتی وجود نداشته است .

قرآن بر این ادعاها خط بطلان کشیده و در آیات مزبور می‌فرماید : هر کس پیرو هر مذهب باشد چنانچه با غلوس نیت ایمان بخدا و روز قیامت بیاورد و عمل صالح داشته باشد اهل نجات خواهد بود « بدیهی است چون این آیه بعد از ظهور پیغمبر اسلام (ص) نازل شده منظور از ایمان آوردن که در آن ذکر شده ایمان بخدا طبق دعوت پیغمبر اسلام است که در واقع ایمان بتمام پیغمبران خدا را در بر دارد ، و عبارت دیگر ایمانی که باعث نجات است ؛ ایمانی است که توأم

با تسلیم کامل در برابر تمام فرستادگان خدا و دستورات آنها باشد ، و این معنا عین حقیقت اسلام است و با آیه دوم که در سؤال ذکر شده کاملاً سازش دارد .

### سؤال چهارم

آقای محمدرضا سید صدر از تهران و آقای میرزا ، میرزائی از به شهر میپرسند :  
«سیدت» از کجا شروع شده و چه کسی این لقب را بر این سلسله نهاده است ؟

پاسخ : «سیدت» يك نوع شرافت معنوی است که در دودمان پیغمبر اسلام (ص) وجود دارد و اساساً این یک موضوع عمومی است که دودمان و فرزندان افراد شریف و برجسته متناسب مقام بزرگه خاندان آنها در میان تمام اقوام دارای احترام و شخصیت خاصی هستند بنا بر این احترام و شخصیت «سادات» در نظر ما برای همان نسبتی است که با بزرگترین شخصیت عالم انسانیت یعنی پیغمبر اسلام (ص) دارند و کلمه «سیده» که در لغت عرب بمعنای آقا است روی همین نظر بناها اطلاق میشود . و در کلمات پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در مورد بعضی از اهلیت بکار برده شده است .

ولی ناگفته پیدا است که «سادات» نمیتوانند 'پانگاه این اقتساب با پیغمبر (ص) کوچکترین تمخلفی بنمایند و از نظر قوانین عمومی تفاوتی با دیگران ندارند .

### سؤال پنجم

آقای ع ب از مشهد سؤال میکند که اجتهاد در احکام برای انبیاء و بخصوص پیغمبر اسلام (ص) و اوصیاء کرام (ع) آنحضرت جائز است یا نه ؟ و آیا عقیده اهل سنت در این مسئله با شیعه یکی است یا نه ؟

پاسخ : بمقتضای ما پیغمبر (ص) تمام احکامی که مورد احتیاج مردم تا دامن قیامت میباشد از مجرای وحی میدانسته ، و بنا بر این هیچگونه موردی برای اجتهاد و اعمال نظر خاص باقی نمیماند و همچنین جانشینان معصوم آنحضرت که وارث علوم او بودند از این حقایق کاملاً با خبر بودند و احتیاجی با اجتهاد نداشتند ، و آیات و روایات این حقیقت را تأیید میکند ، و همینطور سایر انبیاء که سر و کار با وحی داشتند ، احتیاج با اجتهاد نداشتند ؛ البته در این موضوع بین شیعه و سنی تفاوتی هست .

### سؤال ششم

آقای عبدالحسین اسدی از بیرویه مینویسند : بعضی از دانشمندان بزرگه شیعه برای اثبات فضیلت نماز در اول وقت فرموده اند که در این وقت و امام زمان ، ارواحانفداه نماز میخواهند ؛ و کسانی که در این موقع نماز بخوانند بپرکت نماز امام (ع) مقبول در گاه

خداوند خواهد شد ، از طرفی می دانیم که اوقات وافقها با هم بسیار فرق دارد و چه بسا که در یک کشور چندین افق وجود دارد ؛ تا چه رسد به تمام کشورهای روی زمین ؛ در این صورت نماز افراد همان نقطه ای که دامام (ع) در آن نماز میخواند با نماز امام تطبیق نمیکند نه همه افراد لطفاً منظور از این استدلال را توضیح دهید .

پاسخ ؛ ظاهر آن کسانی که باین استدلال برای اثبات فضیلت نماز اول وقت دست زده اند منظورشان این بوده که کلیه نمازهایی که در اول وقت خوانده میشود وجه مشترکی با نماز دامام (ع) دارد زیرا نماز آنحضرت نیز در اول وقت خوانده میشود و بپرکت همین وجه مشترک نمازهای دیگران نیز در درگاه خدا فضیلت پیدا می کند ؛ و البته اختلاف افق ها تأثیری در این موضوع ندارد ، و بعبارت دیگر منظور اتحاد در وقت خاص نیست بلکه منظور اتحاد در یک عنوان مشترک یعنی ؛ داده در اول وقت است .

### علی (ع) و بیت المال بصره !

پس از پایان جنگ جمل با دوازده هزار سرباز مجاهد اسلام وارد بیت المال بصره شد . بسکه های نقره روی هم انباشته ؛ نگاه کرد بالحن زاهدانه ای که مخصوص حضرتش بود گفت ؛ غری غیری غیر علی را فریب دهید ، شما با این جلوها نمی توانید در روح بزرگ علی رخنه کنید ، سپس دستور داد بزرگ از سربازان پانصد درهم بدهند ، بعد معلوم شد که تعداد آنها ۶ میلیون است و درست بزرگ پانصد درهم رسید برای خودش هم پانصد درهم برداشت .

در این هنگام مردی بمحض آنحضرت رسید و عرض کرد ؛ گرچه من در جنگ باشا شرکت نکردم ولی دلم همراه شما بود حضرت فوراً پانصد درهم خود را بآن مرد بخشید و برای خود چیزی بر نداشت

(شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۹۷)